

غزل شماره ۵۳

منم که گوشه میخانه خائفه من است
دعای پیرمغان وردِ صبحگاه من است

گرم ترانه چنک صبح نیست چه باک
نوای من به سحر آه عذرخواه من است

ز پادشاه و کدافار غم بجمدا
کدای خاک در دوست، پادشاه من است

غرض ز مسجد و میخانه ام وصال شماست
جز این خیال ندارم خداکواه من است

مکر به تیغ اجل خیمه برگنم ورنی
رمیدن از در دولت نه رسم و راه من است

از آن زمان که بر این آستان نهادم روی
فراز مسد خورشید، تکیه گاه من است

کناه اگر چه نبود اختیار ما حافظ
تو در طریق ادب باش، گو کناه من است

تفسیر فال

با یک عذرخواهی، همه چیز به تدریج و به طرز شگفت‌انگیزی درست می‌شود و ان‌شاءالله تو از بند غم و اندوه رهایی خواهی یافت. خداوند متعال همیشه از بندگان خود حرکت و اراده می‌طلبد تا برکت‌های عظیم خود را به آن‌ها عطا فرماید. بنابراین، روی به آستان حق بیاور و با نیت خالصانه و دل پاک، در طلب مقام عالیت‌ر قدم بردار. در این مسیر، تو نذری کرده‌ای که اگر از این ورطه‌ی غم و ناراحتی نجات یابی، تا دم مرگ هرگز از راه راست باز نخواهی گشت. این نذر نه تنها نشان‌دهنده‌ی اراده‌ی قوی توست بلکه تجلی‌ای است از ایمان عمیق تو به قدرت الهی که می‌تواند زندگیت را دگرگون کند. پس با امیدواری و توکل بر خداوند، گام‌های مؤثر در این مسیر بردار تا شاهد تغییرات مثبت در زندگی خود باشی.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)